

فرهنگستان

حرف اول

وقتی بایدهای ما نباید است!



بی‌تا یاری

bitayari@fdn.ir

باید حتما بنویسم. این را با خود در حال فکر کردن زمزمه می‌کنم. چیزی در ذهن دارم. مدام فکرم را به خود مشغول کرده‌ام. باید حتما بنویسم، دارم خبری را می‌خوانم که بازتاب‌های آن متفاوت است. با خود این جمله را می‌گویم. دوباره به فکر می‌روم و در ذهنم حاشیه‌ها، خبرها، نظرها و احوالات را مرور می‌کنم.

باید حتما بنویسم، افکاری که به ذهنم هجوم آورده‌اند در این چند روزه بیشتر از میزان تحمل فشار در کاسه سرم است. با این حال دارم به آنالیز گفته‌ها و کلام‌ها می‌پردازم، بلکه رابطه‌های نامکشوف آنها را از بین زوایای تاریک و روشن کلام‌ها دریابم.

سوار تاکسی می‌شوم تا به مقصد برسم، هنوز دارم به این‌ فکر می‌کنم که باید حتما بنویسم. از آنچه دیده‌ام و شنیده‌ام نه، از آنچه باید بنویسم. از آنچه رسالت من روزنامه‌نگار است که می‌خواهم رکن چهارم دموکراسی باشم. برای من که تمام حوادث موسیقی را با ذره‌بین دنبال می‌کنم، این بار چیزی در درونم فریاد می‌کشد که باید حتما بنویسم.

پیچیدگی‌های روابط آدم‌ها، سطح، دانش، صلاحیت و شایستگی هر کس در موسیقی چیزی نیست که بشود آنها را نادیده گرفت یا برای من نادیدنی باشد. با خود می‌گویم

باید حتما بنویسم.

در چند روز گذشته مدام بازتاب‌ها را به قول آقای لاریجانی رصد می‌کنم و به چندین جا ایمیل می‌زنم و درباره رویدادهای موسیقی و تاریخچه آنها می‌پرسم و اسناد تاریخی را درخواست می‌کنم. هر چه بیشتر می‌گذرد و اسناد بهتری به دست می‌آورم بیشتر متقاعد می‌شوم که باید حتما بنویسم.

نتایج تحقیقات و ایمیل‌هایم را دارم برای یک پژوهشگر موسیقی و یک منتقد باسابقه موسیقی می‌فرستم تا نتایج به دست آمده را با آنها نیز بررسی و ارزیابی کنم. هنوز در ذهنم چیزی رژه می‌رود که باید آنها را بنویسم.

افکارم را دارم طبقه‌بندی می‌کنم. بخشی مربوط به جامعه موسیقی است که جامعه‌شناسان باید نظر بدهند. بخشی مربوط به بیماری مزمن موسیقی است که جامعه موسیقی سال‌هاست از آن رنج می‌برد، بخشی مربوط به زیاده‌خواهی‌های ناشایست برخی متولیان موسیقی است که مدت‌هاست در نقد آنها حرف‌هایی نوشته می‌شود و برخی مربوط به متولیان فرهنگی که باید درباره عملکرد آنها بنویسم.

باید حتما بنویسم که چه‌ها می‌بینم و چه ارزیابی کرده‌ام، اما امروز تنها یک ستون باریک دارم که باید درون آن همه این حرف‌ها را چنان بگویم و بنویسم که به قول خواجه «من این حرف‌و نوشتن چنانکه غیر ندانست. تو هم ز روی کرامت چنان یخوان که تو دانی» بلکه این تریون پایدار بماند و باید‌هایم که شاید در حوزه نباید می‌گنجد همچنان بماند. در ذهنم هنوز باید بنویسم رژه می‌رود، باید حتما بنویسم اما آن را ناگفته می‌گذارم بماند. شاید تا روزی که آنها را به تفصیل بر قلمم جاری کنم حتی اگر پایدا، نباید، شناخته شوند.

موسیقی

www.Farheekhtegan.ir

Sun | 15 May 2016 | vol.07 | No. 1944

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ ■ ۸ شعبان ۱۴۳۷ ■ ۱۵ می ۲۰۱۶ ■ شماره ۱۹۴۴

برای جبران کم‌سوادی، دور از رخوت

بخوانیم؛ گوش نسپاریم



وایسته به شواهد مستند و علاقه بیمارگونه به گوش فرادادن به شایعات و فرهنگ شفاهی است که از همه ما به اصطلاح پای منقل‌نشین‌هایی را ساخته که در حال رخوت خویش به حرف دیگری گوش می‌سپارند و آن را نسنجیده باز می‌گویند. فارغ از این صحبت‌ها در سالی که گذشت شاهد ترجمه‌ها و تحقیق‌هایی در باب نشانه‌شناسی (semiotics) و پدیدارشناسی (phenomenology) موسیقی بودیم که فارغ از نقد مباحث آنها به‌عنوان اولین ترجمه‌ها در این حوزه‌های موسیقی اهمیت بسیار دارند. «درآمدی بر نشانه‌شناسی موسیقی» تالیف صادق رشیدی از انتشارات علم و بادهه و «گفت‌وشنود موسیقایی – پدیدارشناسی موسیقی» نوشته بروس الیس بنسن با ترجمه حسین یاسینی از انتشارات ققنوس از آن جمله کتاب‌ها هستند. در باب شرح حال بزرگان موسیقی جهان کتاب «شام با لیلی» گفت‌وگو با لئونارد برنستاین (برنشتاین) موسیقی‌دان و رهبر ارکستر به قلم جانانان کات با ترجمه بهزاد هوشمند از نشر مرکز می‌تواند ساعات لذت‌بخش و پر فایده‌ای را

وایسته به شواهد مستند و علاقه بیمارگونه به گوش فرادادن به شایعات و فرهنگ شفاهی است که از همه ما به اصطلاح پای منقل‌نشین‌هایی را ساخته که در حال رخوت خویش به حرف دیگری گوش می‌سپارند و آن را نسنجیده باز می‌گویند. فارغ از این صحبت‌ها در سالی که گذشت شاهد ترجمه‌ها و تحقیق‌هایی در باب نشانه‌شناسی (semiotics) و پدیدارشناسی (phenomenology) موسیقی بودیم که فارغ از نقد مباحث آنها به‌عنوان اولین ترجمه‌ها در این حوزه‌های موسیقی اهمیت بسیار دارند. «درآمدی بر نشانه‌شناسی موسیقی» تالیف صادق رشیدی از انتشارات علم و بادهه و «گفت‌وشنود موسیقایی – پدیدارشناسی موسیقی» نوشته بروس الیس بنسن با ترجمه حسین یاسینی از انتشارات ققنوس از آن جمله کتاب‌ها هستند. در باب شرح حال بزرگان موسیقی جهان کتاب «شام با لیلی» گفت‌وگو با لئونارد برنستاین (برنشتاین) موسیقی‌دان و رهبر ارکستر به قلم جانانان کات با ترجمه بهزاد هوشمند از نشر مرکز می‌تواند ساعات لذت‌بخش و پر فایده‌ای را

نگاه



کوچ سرمداران خانه موسیقی به بنیاد رودکی

شورای هنری ارکستر به ریاست محمد سریر تشکیل شده و تصمیماتی برای

این دو ارکستر مبنی‌بر اعزام ۶ نوازنده جوان به ایتالیا و نیز اجرای ارکسترها در شهرهای مختلف ایران اتخاذ شده‌است. این خبر و اعلامش از سوی روابط‌عمومی بنیاد فرهنگی هنری رودکی دو جنبه دارد؛ یک اینکه این شورای هنری چه زمانی تشکیل شده و اعضایش با انتخاب چه کسانی بر این منصب نشسته‌اند؟

آیا ما در این وادی موسیقی، هنرمندان دیگری نداشتیم که باز هم همان افراد همیشگی تصمیم‌گیران ارکسترها و بنیاد رودکی شده‌اند؟ آیا این افراد به دلیل اینکه فقط و فقط باید باشند عدم تخصص‌شان در امر هدایت ارکسترها نادیده گرفته نشد؛ آیا معاونت هنری، خانه موسیقی، شورای موسیقی خانه سینما، دفتر موسیقی و خیلی جاهای دیگر برای تصمیم‌گیری این افراد کم نبود که باید سر از شورای ارکسترها دریاورند

همیشه یک تعداد خاص از این افراد در تمام ارگان‌های دولتی و غیردولتی موسیقی حضور داشته و جزء تصمیم‌گیران اصلی بوده‌اند اما این‌بار قشیه فرق کرده و به فکر ورود به حوزه‌ای افتاده‌اند که شاید هیچ ارتباطی به تخصص آنها نداشته و قهر فرهاد فخرالدینی و علی رهبری از سمت رهبری این دو ارکستر اعلام شد و به دنبال آن بنیاد رودکی اعلام کرد که با رفتن این دو هنرمند،

سایت‌های مغفول‌مانده

#

گروه ادب و هنر، پنجمین جشنواره سایت‌ها و وبلاگ‌های موسیقی پنجشنبه گذشته با معرفی برندگان رشته‌های مختلف خود نشان داد که می‌توان به همت بخش غیردولتی هنوز کارهای خوبی را سامان داد و در نبود صنف یا انجمن نویسندگان با یک جشنواره کوچک و جمع و جور نویسندگان را به بهتر شدن ترغیب کرد. اما نکته اصلی این جشنواره اتکای آن بر حوزه نوشتار موسیقی روی وب است که بهتر بود دست‌اندرکاران آن امسال در حین اعلام اسامی برندگان نام سایت‌ها را هم اعلام می‌کردند تا در راستای اهداف این جشنواره آنها نیز مشخص و معرفی شده باشند و نمود بهتری بیابند که البته اساس جشنواره نیز بر ترویج آنهاست.

از گوشه تا گوش

درباره آلبوم «بزم دور»

به خوانندگی «مهدی امامی» و آهنگسازی «سعید کردمافی»

کالبد‌های درهم تنیده

گذر هنرمندانه از راه‌بندهای موسیقی دستگاهی معاصر و چیرگی بر لختی سکون آن هوای جان بسیاری از موسیقیدانان خوش‌فکر و تلاشگر امروزی است. هر یک از راهی، از بازنگری در ردیف و روایت‌های مختلفش گرفته تا جست‌وجوی امکان‌های برون‌متنی و ترکیب، همه و همه در خدمت رسیدن به همین هدف هستند. در این میان یک جریان که دیگر کم و بیش شاخه‌ای است با گرایش به بهره‌گیری از گنجینه نظری قدیم، بیش از بقیه هدفمند و منسجم و با چشم‌انداز می‌نماید. «بزم دور» «سعید کردمافی» و «علی کاظمی» از همان دسته است که می‌کوشند از میان تکنیک‌ها و مفهوم‌های فراموش شده آنها را برگزینند که منبسط کردن جهان موسیقی دستگاهی در عین وفاداری به زیبایی‌شناسی‌اش را میسر سازد. اینجا هم خود نتیجه آن رویکردند و هم بخشی از تجربه‌های منجر به راه گشوده و قوام‌یافتن روش.

از دیدگاه موسیقایی «درآمد بیات ترک» در «مجلس نخست» اولین ویژگی اجرایی اثر را می‌نمایاند؛ پرترژیستی. جملات اول، همان بیسات ترکانند، اما بس تزنین‌یافته و این ظرف‌یک‌کاری مشهود تا پایان با موسیقی می‌ماند (به‌ویژه در بخش‌های غیرمتریک) و جز تاکید بر ملودی‌پردازی متفاوت با متن‌های تکرارشده ردیف، مهارت هر دو نوازنده (و پاره‌ای زمان‌ها خوشخوان، «مهدی امامی») را به یاد می‌آورند. این خود نکته‌ای است که خوش‌روش برای ارج نهادن به هر مجموعه موسیقایی کافی می‌بود اما در «بزم دور» امری حاشیه‌ای و البته جذاب شده به درون و در خدمت کلیت اثر است، زیرا «بزم دور» ویژگی‌هایی دارد که به مراتب از توان نوازندگانش به تنهایی، شایان توجه‌تر است.